

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

گروه زبان و ادبیات فارسی
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

تحلیل ساختاری رمان سوشون

استاد راهنما

آقای دکتر محمد ریحانی

استاد مشاور

آقای دکتر جلیل مسعودی فرد

مؤلف

امینه نظری

شهریور ماه ۱۳۸۹

فهرست مطالب

موضوع	شماره صفحه
بخش اول : کلیات	
چکیده.....	۲
بیان مسئله.....	۳
هدف پژوهش.....	۴
ضرورت خاص.....	۴
پیشینه ی تحقیق.....	۴
روش تحقیق.....	۵
سووشون.....	۶
تحلیل ساختاری.....	۷
سال شمار زندگی نویسنده.....	۹
بخش دوم: تحلیل زبان شناختی	
۱-۲ زبان.....	۱۳
۱-۱-۲ مؤلفه های آوایی.....	۱۴
۲-۱-۲ مؤلفه های روساختی زبان.....	۱۶
۲-۱-۳ مؤلفه های زیرساختی زبان.....	۲۰
۲-۲ ارتباط ساخت های زبانی با عناصر داستان.....	۲۲
۲-۳ زبان استعاری یا مجازی.....	۲۴
۲-۴ نگاه نشانه شناختی به داستان.....	۲۶
بخش سوم: عناصر داستان	
۱-۳ زاویه ی دید.....	۴۲
۲-۳ پیرنگ.....	۴۵

۵۲	۳-۳- سبک
۶۰	۳-۴- شخصیت پردازی
۶۸	۳-۵- لحن و فضا
۷۳	۳-۶- درون مایه
۸۲	۳-۷- زمان و مکان
۸۷	نتیجه گیری
۸۹	فهرست منابع

پیشکش پدر و مادرم

به پاس ستاره ای که در کف دستانم گذاشتند.

بخش اول:

کلیات

چکیده

رمان سووشون اثر سیمین دانشور از گران مایه ترین آثار داستانی معاصر محسوب می شود. این پژوهش کوششی است تا نمونه ای از رمان نوپای فارسی را در قالب نظریه ی ادبی ساختارگرایی مورد بازبینی قرار دهد. بر پایه ی نظریات ساختارگرا، آنچه در بافت کلام به کار رفته است خواننده را به ادراک معانی آشکار و پنهان متن رهنمون می سازد. در پژوهش پیش رو زبان و عناصر داستانی رمان سووشون کاویده می شود تا چگونگی اثر گذاری این عوامل برای پیدایی فرم و معنای داستان روشن گردد.

تحلیل زبان شناختی از اصول مهم نقد ساختاری است و بررسی آوا، دستور و معنای متن را برای شناخت ساخت و بافت آن راهگشا می داند؛ قوت و ضعف عناصر داستانی هم تعیین کننده ی سبک، نوع و کیفیت اثر داستانی است که زاویه ی دید، پیرنگ، سبک، شخصیت پردازی، لحن و فضا، درون مایه و زمان و مکان از مهم ترین عناصر در مباحث ساختارگرایی و همچنین بارزترین عناصر رمان سووشون به شمار می روند.

در این نوشتار پس از مطالعه ی زبانی و نشانه شناسیک رمان؛ عناصر تشکیل دهنده ی رمان به طور مجزا و با تأکید بر ارتباط بین آنها نگریسته می شود.

کلید واژه: سووشون، ساختار، زبان، راوی، شخصیت، درون مایه.

بیان مسئله:

بر خوانندگان رمان فارسی روشن است که رمان سووشون در ادبیات داستانی ایران جایگاهی بلند دارد؛ اما آنچه شایان توجه است سبب اقبال مردم به این اثر هنری است. می دانیم که بر زمینه ی سووشون کارهای دیگری نیز به قلم درآمده، باوجود این سووشون همچنان دل پذیر و خواندنی است و پس از چهار دهه هنوز بسیارند کسانی که می پذیرند «سووشون معیار رمان نویسی است و حضورش بر بسیاری از رمان های پیش از آن خط می کشد و رمان های پس از آن را باید با آن سنجید.» (گلشیری، ۱۳۷۸: ۲۹۸)

از حضور نویسنده و همسرش در این رمان بسیار گفته اند و شنیده اید و خوانده ایم؛ حال بر آن هستیم تا در خود متن سووشون به کند و کاو پردازیم و تکنیک های ادبی و هنری اش را در غیاب نگارگر به تحلیل درآوریم، تحلیلی بر پایه ی ساختار داستان.

نظریه های ادبی زاینده ی تفکرات فلسفی چیره در هر دوره ی زمانی اند و به کار بستن آنها شناخت جامع آثار ادبی را سبب می گردد. بنا به دلایلی استفاده از نظریه ی ساختارگرایی برای تحلیل رمان سووشون برگزیده شد. نخست اینکه سووشون خود رمانی ساختارمند است، بر خلاف رمان های پیشین گسستگی زبانی و ناهمخوانی شکل و محتوا در آن دیده نمی شود و همچنین نشانی از ساختار شکنی و گرایش به پست مدرنیسم ندارد، دلیل دوم احساس نیاز به نگرشی در نقد است که اثر را بشناساند نه مولف را، و سوم مشخصه ی این نظریه که از نقد اخلاقی، غرض ورزی سیاسی و هر گونه یک جانبه نگری به دور است. مسئله ی اصلی در این تحقیق پاسخ گویی به این سوال است که ساختار سووشون چگونه شکل گرفته است؟ در این مسیر با این پرسش ها نیز رو به رو هستیم:

- قواعد زبانی در این رمان چگونه ایفای نقش می کنند؟
- مهم ترین عناصر شکل گیری ساختمان رمان کدامند؟
- آیا شیوه ی روایت سووشون با دیگر عناصر رمان همخوانی دارد؟
- شخصیت های رمان با چه معیاری به تصویر کشیده می شوند؟
- درون مایه ی سووشون بر چه فلسفه ای بنا شده است؟

هدف پژوهش:

پویایی ادبیات هر فرهنگی در گرو شناخت، تحلیل و معرفی آثار ارزشمند آن فرهنگ است. خوانندگان ادبیات داستانی سووشون را گران سنگ دانسته و منتقدان به انحای مختلف برای تبیین جایگاه آن می کوشند. این پژوهش بر آن خواهد بود که ساختمان سووشون را مورد مطالعه قرار دهد تا ساز و کارهای موجود در پیکره ی آن را بکاود. به کار بستن شیوه های نو در نقد و تحلیل آثار ادبی در پیشبرد ادبیات راهگشا است، بنابراین شناسایی موارد تاثیرگذار در شکل و معنای رمان بر پایه ی نظریات ساختارگرایانه هدف اصلی تحقیق خواهد بود تا گامی در راستای پویایی رمان فارسی برداشته شود.

ضرورت خاص:

مطالعه ی علمی و حساب شده ی آثار ادبی پشتوانه ی بالندگی ادبیات است. از آن جا که نقد و تحلیل در فرهنگ و ادبیات فارسی نهادینه نشده است، نیاز به پیگیری و توجه فراخور دارد. پژوهنده می خواهد با تحلیل ساختار رمان سووشون با تکیه بر نظریه ی ساختارگرایی گامی در جهت بهتر شناساندن این اثر بردارد؛ چنان که تمام دوست داران رمان فارسی بر ضرورت و اهمیت پرداختن به رمان مبتنی بر دانش نقد یک صدا هستند.

پیشینه ی تحقیق:

سووشون از همان زمان چاپ اول مورد نظر منتقدان قرار گرفت. قبل از انقلاب، میهن بهرامی و کمیساروف مقاله هایی در نقد سووشون به چاپ رسانده اند و پس از آن هم کمتر مجموعه ی ادبیات معاصر است که به سووشون پرداخته باشد. اما تمام این مقاله ها و نوشته های پراکنده نگاهی گذرا و کم عمق به اثر افکنده اند.

تنها کتاب مستقلی که درباره ی آثار سیمین دانشور به چاپ رسیده «جدال نقش با نقاش» از هوشنگ گلشیری است که بحث درباره ی میزان حضور جلال آل احمد در آثار همسرش بر

گفت و گو درباره ی خود آثار می چربد. گلشیری در بخش اول و دوم کتاب نگاهی گذرا به مجموعه های آتش خاموش و شهری چون بهشت دارد. بخش سوم این کتاب که اختصاص به سووشون دارد با عنوان «شکستن قالب های نقش زن و جلوه و جمال نقش باز در جدال با نقش گذار» آغاز می شود. این بخش به سه فصل ۱- مشغله های نقش زن ۲- مخمصه های نقش گذار ۳- جان و جمال نقش باز تقسیم می شود. منظور از نقش زن، سیمین؛ نقش گذار، جلال و نقش باز، اثر سووشون است. در پیوست کتاب بخشی با عنوان «یک سند» برای اثبات واقعیت تاریخی داستان آورده می شود که نوشته ای از سید ضیاءالدین طباطبایی با نام شعائر ملی است. نگارنده علاوه بر بهره گیری از این یادداشت ها تحقیق را بر پایه ی نوشته های مربوط به ساختار گرایي خواهد گذاشت که کتاب های زیر مهم ترین آثار پرداخته به این نظریه ی ادبی و در دسترس نگارنده به شمار می روند.

«ساختار و تاویل متن» بابک احمدی شامل مروری بر آرای نظریه پردازان زبان شناس، ساختارگرا، پسا ساختارگرا و هرمنوتیک است. «در آمدی بر ساختارگرایی در ادبیات» از رابرت اسکولز شامل بوطیقای شعر، نمایشنامه، داستان و همچنین بخشی در کاربرد عملی ساختارگرایی بر داستان یولیسز جیمز جویس است. و کتاب «نظریه های نقد ادبی معاصر» از مهیار علوی مقدم که به دو بخش صورت گرایی و ساختارگرایی تقسیم شده و نگاهی گذرا به کاربرد این نظریه ها در ادبیات فارسی دارد.

روش تحقیق:

نگارش این پایان نامه بر بنیاد مطالب کتاب خانه ای و روش تحقیق توصیفی است. پژوهش از سه بخش کلیات، تحلیل زبان شناختی، ارتباط عناصر داستان و نتیجه گیری تشکیل یافته است.

در بخش کلیات مسائل اصلی تحقیق، جایگاه سووشون و سال شمار زندگی نویسنده گنجانده شده است. بخش دوم شامل زبان رمان، ارتباط ساخت های زبانی با عناصر داستان، زبان استعاره یا مجازی و نگاه نشانه شناختی به داستان است. بخش ارتباط عناصر داستان شامل هفت

فصل زاویه ی دید، پیرنگ، سبک، شخصیت پردازی، لحن و فضا، درون مایه و زمان و مکان است که ضمن آوردن تعریفی مشخص از هر عنصر به چگونگی کاربرد آن در رمان پرداخته می شود.

سووشون:

رمان سووشون، ارمغان سیمین دانشور به خانه ی نوساز ادبیات داستانی فارسی در تیر ماه ۱۳۴۸ به چاپ رسید. خوانندگان فزون، مورد پسند منتقدان قرار گرفتن و همچنین ترجمه ی آن به زبان های بسیار گواه ارزشمندی این اثر داستانی است. بدون تردید علت موفقیت سووشون را باید در مشخصه های آن جست، رمانی که رنگ و بوی بومی و محلی دارد آشنای دل های مردم این سرزمین است و سووشون آینه ی شفاف است برای ایرانیانی که در پی آند تا خود را در اسطوره، تاریخ و فرهنگشان بازیابند. ویژگی دیگر این اثر تازه بودن شیوه ی داستان پردازی آن است؛ چنان که در حوزه ی ادبیات معاصر فارسی سووشون را باید جزء رمان های مدرن به حساب آورد. ادب اندیشان بوف کور هدایت را به عنوان اولین رمان فنی و پرترفند فارسی معرفی کرده اند اما پس از آن تا سال ها رمان ایرانی از دست یابی به جایگاهی شایسته ی هنر بازماند تا اینکه از دهه ی چهل افسار رمان به دست نویسندگان سرآمدی چون چوبک، آل احمد، ساعدی، گلشیری، گلستان و... افتاد که نوشته هایشان مراد جامعه ی آن روز بود. با این همه سووشون در رده ی نخستین آثاری قرار می گیرد که به ساختاری منسجم دست یافته است یعنی بدون غرق شدن در فضاهای مالیخولیایی، جانب داری های سیاسی یا تکیه بر کالبد شکافی جامعه ی آفت زده نگرشی بشردوستانه را پیشنهاد می کند، «سووشون اثری است که با آثار روشن فکرانی که دارای جهت گیری های ملی، طبقاتی، ایدئولوژیک و در یک کلام تک صدایی اند، فاصله می گیرد، نویسنده با طرح مک ماهون گرایش های بشری و جهانی را در کنار ملیت نویسنده می پذیرد.» (تسلیمی، ۱۳۸۳: ۱۶۹)

رمانی سیاسی، جامعه محور، بومی و هم فلسفی که این همه را با استفاده از انواع روایت، جریان سیلان ذهن، بهره گیری از قصه در بطن رمان، آمیختن اسطوره و تاریخ و یافتن زبانی درخور این مجموعه، هنری می سازد. به بیان دیگر رمان ها کمتر توفیق می یافتند تا به وحدت اندام وار کلریجی

دست یازند و در قاعده گویی صرف باقی می ماندند اما درون مایه ی سوشون در قالب مناسب خود شکل گرفت و دغدغه ی فرم و زبان از ویژگی های ممتاز آن به شمار می رود. بنابراین بایسته است آن را از شایسته ترین الگوهای رمان نویسی فارسی بشماریم (البته سیمین دانشور با رمان جزیره ی سرگردانی در شمار پیشتازان رمان پست مدرن نیز قرار می گیرد). و از آنجا که ضرورت پی بردن به اصول ساختاری آثار پیشرو بدیهی می نماید مطالعه ی کمیت ها و کیفیت های این اثر داستانی را پیش می گیریم.

تحلیل ساختاری:

ادبیات جلوه گاه احساس و اندیشه ی بشری است، پس ناگزیر کسانی به داوری نقش و نقاش می نشینند تا مبدا جلوه ای از وجود انسان در پس پرده ماند. شکوهی که ادبیات فارسی بدان می بالد و امدار شاعران، نویسندگان و همچنین بلاغت شناسانی است که نگاهی علمی - انتقادی به آثار ادبی داشته اند اما نوپایی و کم مایگی نقد ادبی با معنای امروزی بر کسی پوشیده نیست؛ شاید بتوان سبب آن را در این نگاه جست که «نقد ادبی باید مبتنی بر نظریه ادبی باشد و نظریه ادبی بیش از هر چیز به پشتوانه ی فلسفی نیاز دارد. متأسفانه در ایران سنت فلسفی نیرومندی وجود نداشت. آن فلسفه نیم بندی هم که تا پیش از دوره جدید و ورود فلسفه غرب به ایران دیده می شود سخت وابسته به الهیات و علم کلام بود و مخصوصاً در حیطه هنر و ادبیات نتوانست ابراز وجود کند و مولد نظریه های ادبی یا هنری باشد.» (دهقانی، ۱۳۸۰: ۹) از طرفی قالب های ادبی مانند رمان که در ایران پیشینه ی چندانی ندارد، مادام نیاز به رویکردهای تازه در نقد و تحلیل ادبی را یادآور می شوند. نقدهای مؤلف محور، اخلاق گرا و تاریخی بسامد بالایی را در پرداختن به رمان دارند و تحلیل های ساختارگرایانه، جامعه شناختی، روانکاوانه، هرمنوتیکی و غیره هنوز نقش چندانی را در میدان انتقاد ادبی بازی نمی کنند.

ساختارگرایی از جمله نظریه های مطرح ادبی قرن بیستم است که به کار بستنش در تحلیل آثار مختلف گام مؤثری در شکوفایی گونه های ادبی به شمار می رود. «جنبش فکری مدرنی که پدیده های فرهنگی را طبق اصول برآمده از زبان شناسی تحلیل می کند و بر ارتباطات متقابل نظامدار بین

عناصر هر فعالیت انسانی و از این رو بر قواعد و قراردادهای مجرد حاکم بر تولید اجتماعی معنا تأکید دارد.» (کادن، ۱۳۸۰: ۴۳۱)

البته باید در نظر داشت که آنچه این نظریه‌ی ادبی در اوان شکل‌گیری در پی رسیدن به آن بود با هدف‌ها و کاربردهای آن متفاوت است. «ادیبان ساختارگرا نظیر پراپ، تودورف و ژنت به داستان‌های خاص نمی‌پرداختند بلکه آنها را از این جهت مطالعه می‌کردند تا قوانین عمومی حاکم بر یک نوع ادبی را در ادبیات ملتی کشف کنند. ولادیمیر پراپ با مطالعه‌ی ادبیات فرهنگ عامه در روسیه، به کشف ساختار کلی حاکم بر آن نایل آمد و در کتاب ریخت‌شناسی داستان پریان به بیان آن پرداخت.» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۳۱۵)

اما ساختارگرایی در این محدوده بسنده نبود و با هدف سنجش کیفیت و کمیت وحدت درونی هر اثر هنری به کار خود ادامه داد. از مهم‌ترین مولفه‌های این نظریه‌ی ادبی بی‌رنگ ساختن حضور نویسنده در اثر است، پرداختن به آرای نویسنده و جست‌وجو برای یافتن رد پای حوادث شخصی زندگی او بر آثار تحلیلی و انتقادی سایه افکنده تا جایی که بسیاری ظرافت‌ها از چشم منتقدان دور مانده است.

در تحلیل‌هایی که بر رمان سووشون نگاشته‌اند، سیمین دانشور و حتی بیش از او جلال آل احمد است که حلاجی می‌شود؛ بی‌گمان سیمین از ایده‌های سیاسی همسرش آگاه بوده اما در مسئله‌ی ادب و هنر، او خود استاد زیبایی‌شناسی است. گذشته از این همخوانی حوادث رمان با واقعیات زندگی دانشور در گفت‌وگوها و مصاحبه‌های نویسنده آشکار است و بر عهده‌ی تحلیل‌گر ادبی است که رویکردی متن‌محور بر آثار هنری داشته باشد و چه بسا از مسئله‌ی کاستی‌ها و شایستگی‌های مطرح در نقد برگردد تا به رهیافتی برای شناسایی چگونگی آمیختن صورت و معنا برسد؛ «نقد ادبی می‌تواند به نوعی **فرانقد** تبدیل شود. در این صورت نقش آن در درجه‌ی اول ارائه‌ی عباراتی تفسیری یا ارزشیابی‌کننده نیست، بلکه به عقب بازگشتن و بررسی منطق حاکم بر این قبیل عبارات و تحلیل اشتغال خاطر ما و رموز و مدل‌هایی است که به هنگام ساختن این عبارات به کار می‌گیریم.» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۷۰)

حال صورت و فرمی که بر پیکره ی سووشون نشسته است، همان زبان و عناصر داستانی است و دست یابی به منطق حاکم بر آنها، رموز و معانی داستان را بر خواننده ی تحلیل گر خواهد گشود.

سال شمار زندگی نویسنده :

۱۳۰۰: تولد در شیراز. پدرش دکتر محمد علی دانشور، پزشک بود و مادرش قمر السلطنه حکمت که مدتی مدیر هنرستان دخترانه هنرهای زیبای شیراز و نقاش نیز بود. سیمین سه برادر و دو خواهر داشته. دوران ابتدایی و متوسطه را در مدرسه انگلیسی مهرآیین به تحصیل پرداخت و در امتحانات نهایی شاگرد اول سراسر کشور شد. در تهران در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و در شبانه روزی آمریکایی اقامت گزید.

۱۳۲۰: فوت پدر. با مرگ پدر سیمین که در زبان و ادبیات فارسی لیسانس گرفته بود، با وجود درآمد مکفی پدر و ثروت مادر ناچار می شود مدتی کار کند، از جمله معاون اداره تبلیغات خارجی شده و بعد برای رادیو تهران و روزنامه ایران با نام مستعار "شیرازی بی نام" مقاله می نویسد.

۱۳۲۷: انتشار آتش خاموش، شامل ۱۶ داستان کوتاه؛ اشکها (مهر ۱۳۲۱)، آتش خاموش (آذر ۱۳۲۳)، یادداشت های یک دوست آلمانی (بی تاریخ)، کلید سل (بهمن ۱۳۲۳)، سایه (خرداد ۱۳۲۴)، آن شب عروسی (دی ۱۳۲۴)، مردها عوض نمی شوند (بهمن ۱۳۲۴)، ناشناس (اسفند ۱۳۲۴)، عطر یاس (اسفند ۱۳۲۴)، عشق استاد دانشگاه (فروردین ۱۳۲۵)، شب عیدی (اردیبهشت ۱۳۲۵)، گذشته (خرداد ۱۳۲۵)، جامه ارغوانی، عشق پیری و یخ فروش (مرداد ۱۳۲۵) و کلاغ کور (بهمن ۱۳۲۶). بعضی از این داستان ها قبلاً در روزنامه کیهان، مجله بانو و امید چاپ شده بود. آتش خاموش اولین مجموعه داستانی است که زنی ایرانی به چاپ می رساند.

۱۳۲۷: آشنایی با آل احمد در بهار این سال و به هنگام بازگشت از اصفهان به تهران و در اتوبوس، پس از انتشار آتش خاموش.

۱۳۲۸: اخذ درجه دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران با رساله "علم الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم" زیر نظر فاطمه سیاح و پس از مرگ او زیر نظر فروزانفر.
۱۳۲۸: ترجمه سرباز شکلاتی اثر برنارد شاو و مجموعه داستان دشمنان اثر چخوف.

۱۳۲۹: ازدواج با آل احمد.

۱۳۳۱: با استفاده از بورس تحصیلی فولبرایت به ایالات متحده آمریکا می رود و به مدت دو سال در رشته زیبایی شناسی در دانشگاه استنفورد به تحصیل می پردازد. در این مدت دو داستان کوتاه از او به انگلیسی در مجله ادبی پاسیفیک اسپکتاتور و کتاب های استنفورد به چاپ می رسد. در کلاس های نویسندگی استاد او والاس استگنر است. در بازگشت به ایران در هنرستان هنرهای زیبای پسران و دختران به تدریس می پردازد.

۱۳۳۲: ترجمه بئاتریس اثر آرتور شنیسلر.

۱۳۳۳: ترجمه کمدی انسانی اثر ویلیام سارویان و داغ ننگ اثر ناتانائل هاتورن.

۱۳۳۷: ترجمه همراه آفتاب اثر هارول کورلندر (مجموعه داستان های ملل مختلف برای کودکان)

۱۳۳۸: با سمت دانشیاری در رشته باستان شناسی و تاریخ هنر به استخدام دانشگاه تهران در می آید.

۱۳۴۰: انتشار شهری چون بهشت، مجموعه ۱۰ داستان کوتاه شهری چون بهشت، عید ایرانی ها، سرگذشت کوچه، بی بی شهربانو، زایمان، مدل، یک زن با مردها، در بازار وکیل، مردی که برنگشت و صورتخانه.

۱۳۴۷: ترجمه باغ آلبالو اثر چخوف.

۱۳۴۸: انتشار سووشون. دو ماه قبل از مرگ یوسف.

۱۳۵۱: انتشار چهل طوطی با جلال احمد. ترجمه بنال وطن اثر آلن پیتون.

۱۳۵۶: انتشار "مسائل هنر معاصر".

۱۳۵۸: تقاضای بازنشستگی از دانشگاه تهران.

۱۳۵۹: انتشار مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟"

۱۳۶۰: انتشار "غروب جلال".

۱۳۶۲: ترجمه ماه عسل آفتابی از نویسندگان مختلف.

۱۳۷۲: انتشار جزیره سرگردانی (ساربان سرگردان مجلد دوم همین اثر است).

از دیگر آثار وی می توان به "شاهکارهای فرش ایران" (دو جلد به فارسی و انگلیسی) با همکاری خانم نای، راهنمای صنایع ایران، سلسله مقالات "مبانی استتیک" در روزنامه مهرگان و مقالات پراکنده در روزنامه های کیهان و آیندگان قبل از سال ۵۷ اشاره کرد. (گلشیری، ۱۳۷۶)

یاد و سپاس:

در نگارش این پایان نامه از راهنمایی های استاد فرزانه ام آقای دکتر محمد ریحانی و استاد مشاورم آقای دکتر جلیل مسعودی فرد بهره برده ام؛ توفیق روزافزون ایشان را آرزومندم. همچنین سپاس گزار استاد گران قدرم آقای دکتر آرش قراگزلو و استادان خوبم آقایان دکتر علیرضا نکویی و علی تسلیمی هستم.

بخش دوم:

تحليل زبان شناختی

بارزترین مشخصه‌ی هر اثر ادبی زبان به کار رفته در آن است. بی‌گمان رمان سووشون هم موفقیت در میان خوانندگان خود را مدیون زبان رسای خویش است. سووشون در استفاده از امکانات زبانی به قید و بند شاعرانگی یا در هم پیچیدن کلام برای رساندن معانی ژرف گرفتار نیامده است. خواننده‌ی عادی از لذت ادبی سووشون بهره می‌برد و خواننده‌ی منتقد بر زبان ساده و همه‌فهم آن خرده نخواهد گرفت. استعاره و مجازی هم که در رمان به کار رفته برای عمق بخشیدن به معناست و رسیدن به مفهوم داستان در گرو ابهام‌گشایی نیست. تحلیل ساختاری بیشتر بر موشکافی زبان اثر متمرکز است و در آرای ساختارگرایان نگاه زبان‌شناختی به متن پایه‌ی کار نقد به شمار می‌رود.

۱-۲. زبان

ساختارگرایی می‌تواند مدعی جایگاهی ممتاز در مطالعات ادبی شود، چرا که در پی آن است که الگویی از خود نظام ادبیات به عنوان مرجع بیرونی آثار منفردی که بررسی می‌کند به دست دهد. ساختارگرایی با حرکت از مطالعه‌ی زبان به مطالعه‌ی ادبیات و تلاش برای تعریف اصول ساختار دهی، بر آن بوده و هست تا علمی‌ترین مبنای ممکن را برای مطالعات ادبی فراهم آورد. (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۴)

اما این مبنای حرکت، از مطالعه‌ی زبان، همواره مورد انتقاد بسیاری از اهل ادب بوده است. آثار ادبی بیشتر بر وجه هنری خود تأکید می‌کنند و آثار زبان‌شناسی بر جنبه‌ی علمی بودن. بنابراین ائتلاف میان امری انتزاعی، تخیلی و معنوی با امری مادی و موضوعی با اشکال روبروست.

بدون شک، زبان، وسیله‌ی بیان نویسندگان، شاعران و حتی منتقدان است، اهل نقد مشکل میان ادبیات و زبان شناسی را با راه حل زبان شناسی کاربردی برطرف کرده‌اند و این نوع زبان شناسی را چنین توصیف می‌کنند: الف) باید تبیین جامعی از تمامی ابعاد ساختار زبانی متن به دست دهد؛ ب) باید بتواند تبیینی از کارکردهای ساخت‌های زبانی مفروض (در متون واقعی) به دست دهد؛ به ویژه کارکردی که موجب شکل‌گیری اندیشه در ذهن خواننده می‌شود؛ ج) باید تصدیق کند که معانی متن در بنیانی اجتماعی شکل می‌گیرند (فالر، ۱۳۸۶: ۲۶).

ساختارگرایی مباحث سنتی ادبیات از قبیل بدیع، بیان و سبک شناسی را با زبان شناسی امروزی پیوند زده است. «زبان شناس ساختارگرا در پی آن است که دریابد حوزه‌ی ادبیات و آفرینش ادبی و ساحت اثر در کل نظام‌های زبان شناختی و نشانه شناختی چیست و هنگامی که حادثه‌ای ادبی و هنری در زبان پدیدار شد، آیا زبان همچنان بر جای می‌ماند.» (علوی مقدم، ص ۱۶۳)

در برخورد زبان شناسی کاربردی با متن، اثر موشکافی می‌شود تا وجوه زبانی آن برای ایجاد ساخت و ترکیبی ادبی بررسی شود. نوام چامسکی، زبان شناس معاصر توانش زبانی را وابسته به قواعد آوایی، نحوی و معنایی می‌داند. (باقری، ۱۳۸۴: ۱۵۵)

سووشون، رمانی است رئالیستی با بیان رمزی؛ و از آنجا که قواعد نحوی و معنایی با مقوله‌های روساخت و زیرساختی همخوانی دارد، این رمان در نگاهی فراتر از قواعد صرف دستوری و معنایی، از منظر زبان شناختی در سه سطح آوا، روساخت و زیرساخت مطالعه می‌شود.

۲-۱-۱. مؤلفه‌های آوایی

استفاده از صوت‌ها و آواها در زبان تصادفی نیست و تأکید بر آواهایی خاص در گفتار و نوشتار بار معنایی خاصی را به ذهن خواننده یا شنونده منتقل می‌کند. بحث توانش‌های آوایی بیشتر در شعر و نثر موزون مطرح است. در نثر سووشون عاطفه‌ی شعری ملموس است، اما این ویژگی بیشتر از درون مایه وام گرفته است تا بازی با الفاظ و واژگان. دو مورد برای تأکید بر آوای واژگان در نثر سووشون دیده می‌شود که در آنها وجه طنز مورد نظر است:

زری شنیده بود اما تا با چشم های خودش نمی دید باور نمی کرد. سرجنت زینگر فعلی کسی جز «مستر زینگر» سابق، مأمور فروش چرخ خیاطی سینگر نبود. (ص ۶)

یوسف گفت: «خواهر از وقتی تصمیم به مهاجرت گرفته ای، برای خودت یک پا فیلسوف شده ای.» عمه آهی کشید و گفت: «پیرسوک.» (ص ۱۴۱)^۱

زینگر و سینگر؛ و فیلسوف و پیرسوک (پرستو) شباهت آوایی دارند اما تناسب معنایی خاصی که متن درگیر آن شود، بین این کلمات دیده نمی شود.

تأکید بر استفاده از اصوات و آواهای خاص برای ایجاد لحن یا مضمونی مشخص در نثر رمان دیده نمی شود، و جریان حوادث داستان خود از عهده ی ایجاد تأثیر عاطفی و القای درون مایه بر می آید. حتی داستان های تخیلی مک ماهون هم از تقیید آوایی خالی است و زبانی کودکانه را برای بیان معنای فلسفی به کار برده است:

خورشید راه افتاد و گردونه دار پیر غرغرکنان به سراغ پستوی آسمانی رفت. زیر لب می گفت: «نسلشان را از روی زمین بردار و همه را خلاص کن. اینها که آدم بشو نیستند. حیف از آن جرقه هایی که از آتش دل خودت در سینه هایشان ودیعه گذاشتی! جان به جانشان بکنی تخم و ترکه های آن عنتر حرف نشنو هستند. خودت که بالای سرشان بودی چه بلاها که سر همدیگر نیوردند. حالا می خواهی افسارشان را دست خودشان بدهی؟ چقدر لی لی به لالایشان می گذاری! چقدر به این ووروجکهای زمینی رو می دهی؟...» (ص ۲۲۸)

اما در نظر سبک شناسان ساختارگرا، در هر متنی بین دال و مدلول رابطه ای قراردادی برقرار است و همواره جنبه ی معناشناختی با صدایی منطبق است. (غیائی، ۱۳۶۸: ۵۹) به نمونه ای از این رابطه در متن سووشون توجه کنیم؛ واج های /س/ و /ش/ از صداها ی بی واک شمرده می شوند. «در ادای همخوان های بی واک، نفس بی آنکه از نیرویش کاسته شود تا مخرج می آید و به این سبب فشار عضلات برای انسداد یا انقباض گذرگاه نفس بیشتر می شود و در نتیجه صوت سخت ادا می شود.» (باقری، ۱۳۸۳: ۱۰۱) و خواننده ی سووشون در میان شیون هایی که بر مرگ یوسف کشیده می

^۱ - دانشور، سیمین. سو و شون. تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ پانزدهم ۱۳۸۰. در تمام ارجاعات پایان نامه به کتاب سو و شون، همین نسخه مورد نظر بوده و تنها به ذکر شماره صفحه در درون متن اکتفا شده است.